



آنچه در پی می آید پاسخهایی است که آیت الله علامه سید محمد حسین فضل الله به پرسشهای شاهد یاران در باره شهید آیت الله صدر اظهار داشته است. جناب فضل الله به دلیل حضور دیرین در حوزه نجف، شاهد بروز نبوغ و ابتکارات علمی شهید صدر از آغازین دوران نوجوانی وی بوده است و از ادوار گوناگون حیات او، گفتنیهای بسیار دارد. وی فقدان آن شهید گرانمایه را در عرصه های مختلف دین پژوهی به ویژه در زمینه پاسخگویی به نیازهای زمانه، بسیار محسوس می داند و بر این باور است که شیوه او از معدود روشهای قابل اقتباس است.

«شهید صدر در بستر اندیشه و عمل» در گفت و شنود شاهد یاران با
علامه سید محمد حسین فضل الله

او به شکلی طبیعی در جایگاه مرجعیت قرار گرفت...

مبتنی بر خط ائمه (ع) تاکید می شد و این مسئله، سرآغازی برای تشکیل «حزب الدعوة الاسلامیه» شد. شهید صدر نقش بزرگی در تدوین پایه های فکری و اندیشگی و به طور ویژه، فقهی این تشکل داشت و غنای محتوایی این حرکت، مخصوصاً از جنبه فکری و فرهنگی، بیش از هر کسی در گرو تلاشها و رهنمودهای علمی ایشان است. بی تردید موفقیت های سالهای آغازین حزب الدعوة نیز مرهون رهبری فکری شهید صدر است. همین رهبری فکری بود که باعث شد طیف گسترده ای از طلاب، دانشجویان، فضلا و اندیشمندان که در انتظار برپائی یک جنبش اسلامی در سطح عراق بودند، برای روبرویی با افکار الحاد و التقاطی، به این تشکل جذب شوند و همکاران بسیار سازنده ای با این جریان داشته باشند.

شهید صدر زمانی وارد عرصه مرجعیت شدند که مراجع دیگری نیز در نجف حضور داشتند. با توجه به سن کم ایشان در این مقطع، به نظر شما چه عواملی سبب گردیدند که ایشان عهده دار این منصب شود؟

برای شخصیتی در سطح شهید صدر طبیعی بود که در مظان مرجعیت باشد. سابقه درخشان در نوآوری در عرصه های فقهی و اصولی و فلسفی و توانمندی کم نظیر و درخشان در پاسخگویی و نیازهای جامعه، به طور طبیعی و بدون اینکه کسی برای او تلاش و مرجعیتش را تثبیت کند، او را در چنین جایگاهی قرار داده بود. برخی از افراد، اطرافیان و سازمانی دارند که برای ایجاد مرجعیت آنها تلاش می کنند، اما برای شهید صدر، این نقش را فکر پویا و خلاقیت و توانمندی وی در پاسخگویی به نیازهای روز انجام داد. ایشان درس خارج را خیلی زود آغاز کرد. استاد بزرگ او، مرحوم آیت الله خوئی رحمه الله علیه، توجه ویژه ای به او داشت و او را از بقیه طلاب خود برتر می دانست و هنگام درس با دقت به نقطه نظرهای او گوش می داد و در مواردی هم اشکالات او را برای طلاب تقریر می کرد و با روش علمی به آنها پاسخ می گفت. از این رو، بسیاری از طلاب حوزه، گرد او جمع می شدند. به نظر برخی از این فضلا او برتر از مراجع موجود بود و همین اندیشه موجب شد که برخی برای تقلید از ایشان، به شکلی زود هنگام به وی مراجعه کنند. علاوه بر اینها شهید صدر مشاهده می کرد که مراجع تقلید معاصر، به رغم خلوص و تلاشی که در حد بینش خود انجام می دهند؛ پاسخگویی مشکلات زمان خود نیستند. از این گذشته، تاکیدات مرحوم آقای خوئی بر جایگاه علمی آقای صدر که در خلال درس و نیز خارج از محافل درسی ابراز شده بود، موجب شد که مرجعیت شهید صدر ابتدا در سطح و گستره محدودی آغاز شود. اعلام مرجعیت آقای صدر موجب گردید که مواضع پیچیده ای از سوی اطرافیان بعضی از مراجع، به ویژه دوستان و علاقمندان استادش، مرحوم آیت الله خوئی مطرح شوند. تدبیری که شهید صدر در این باره اندیشید این بود که مرجعیت خود را به شکل آشکار اعلام نکرد، زیرا وضعیت سنتی موجود در حوزه نجف با وجود آیت الله خوئی که البته شهید صدر هم احترام زیادی برای ایشان قائل بود، امکان گسترش وسیع

علم اصول با ایشان و برخی از طلاب برقرار بود، به ویژه پس از آمدن امام موسی صدر به نجف که منش و رفتار خود آقا موسی، زمینه های مناسب برای مرادده با شهید صدر را فراهم می کرد. قطعاً می دانید که شهید صدر و آقای سید موسی صدر غیر از رابطه خویشاوندی، با یکدیگر هم مباحثه هم بودند و طبیعتاً طلاب جسجوگر و عمیق در نجف علاقمند بودند که در حلقه مباحثات و گفت و گوهای این دو حضور داشته باشند و من هم از این اتفاق بهره بردم. از سوی دیگر، من رابطه نزدیکی با برادر ایشان، مرحوم حجت الاسلام سید اسماعیل صدر داشتم و بیشتر محتوای این ارتباط، سلسله مباحثاتی در باره اصول فقه با ایشان بود. ماهه دیدار یکدیگر می رفتیم و در این ملاقاتها، تعظیم و تقدیر ایشان از برادرشان را مشاهده می کردم. مرحوم سید اسماعیل، گذشته از علائق برادری، به آینده این نوجوان سختکوش و اندیشمند، امیدوار بود و در بسیاری از موارد، او را می ستود و نظر یاتش را نقل می کرد.

در باره نقش شهید صدر در بستر سازی برای ایجاد سازمانهای فرهنگی و حزبی و نقشی که ایشان در تکوین و تکامل این سازمانها داشت، چه خاطراتی دارید؟

شهید صدر در آغاز به جنبش اسلامی به عنوان یک سازمان سیاسی توجه نداشت، ولی دیدارهایی که ایشان با برخی از شخصیت های اسلامی که عهده دار ایجاد این جنبشها در سطح جامعه بودند، داشت و نسبت به تشکیل یک حرکت سازمان یافته در آینده، امیدوار بودند؛ روزه ای را به سوی ایجاد یک تشکل و سازمان، در ذهن باز کرد. از جمله این شخصیتها می توان به شهید سید مهدی حکیم، شهید سید عبد الصاحب ذخیل، شهید استاد محمد هادی سبیتی و شهید مرحوم شیخ عارف بصری و دیگران اشاره کرد. در دیدارها و ویژه ای که این افراد با آقای صدر داشتند، در مورد لزوم تشکیل یک سازمان اسلامی و وحدت بخش

جناب عالی از چه مقطعی با شخصیت شهید آیت الله صدر آشنا شدید و به اعتقاد شما شخصیت ایشان از چه برجستگیهایی برخوردار بود؟

ما با شخصیت آقای صدر از صحنه های رایج در محافل حوزه که پیرامون یک طلبه اهل علم و جوان و صاحب هوشی سرشار برای فراگیری درس و تحقیقات حوزوی وجود داشت، آشنا شدیم. ظاهراً ایشان در محافل اهل علم، بحثهای جالبی را مطرح می ساخت و همانها موجب شده بود که قدرت نبوغ و درک او بر اهل حوزه آشکار شود و از این جهت، کم کم به شهرت دست یابد. ایشان به خاندانی منتسب بود که اکثر افراد آن به فضل و کمال اشتغال داشتند و در برهه ای که داریم در باره آن صحبت می کنیم، تعداد بی شماری از فضلا و علمای حوزه نجف از شاگردان مرجع بزرگوار، مرحوم آیت الله شیخ محمد رضا آل یاسین، دانی فکری و نبوغ فوق العاده ای است. البته در آن مقطع، ما هنوز سراسر شایسته و حضور در چنین محیط و خاندانی، دارای توانمندی فکری و نبوغ فوق العاده ای است. البته در آن مقطع، ما هنوز تماس شخصی با ایشان نداشتیم.

فعالیت های فرهنگی ایشان از چه مقطعی آغاز شد و شما از آن مقطع چه خاطراتی دارید و اساساً شاخصه های نگرش فرهنگی ایشان کدامند؟

شهید صدر در دوران نوجوانی و بخشی از جوانی، بخش اعظم تلاش خود را متوجه پژوهشها و تحقیقات علمی می کرد و فعالیت فرهنگی او، اساساً گسترده ای نداشت. ایشان به تدریج در علم اصول، تحقیقات عمیق و ارزنده ای را انجام داد و به دلیل همین نگاه اصولی، از بسیاری از همدوره های خود تمایز داشت. این مسئله موجب شد که به شکلی زود هنگام، کتابی در علم اصول تالیف کند. به خاطر دارم در مقطع تحصیل کفایه الاصول، با برخی از همدوره های خود، در مورد حاشیه مرحوم شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی با دقتی اصولی که ناشی از احاطه بر فلسفه است، بحث می کرد. مسلماً گرایش عقلی و فلسفی آقای صدر در نگاه اصولی منسجم و قوی ایشان تاثیر به سزائی داشت. ایشان تحصیلات فلسفی خود را نزد مرحوم شیخ صدر یادگوبه ای آغاز کرد و پس از مدتی، افتقهای فلسفی مطلوبی در اندیشه های وی پدیدار شدند. شهید صدر در بحثهای اصولی، از توشه های فلسفی خود، فراوان استفاده می کرد. مسلماً در میان فرآورده های فکری و آثار شهید صدر، نگاه فلسفی وی جایگاه ویژه ای دارد. یکی از این ویژگیها، تلاش برای پیراستن فلسفه قدیم از حشو و زوائد و آماده سازی و تقویت آن برای پاسخگویی به نیازهای زمان است.

همکاری و فعالیت علمی و فرهنگی شما و شهید صدر در چه عرصه های بود؟

در مقطعی که ایشان به عنوان یک نوجوان و جوان تحصیل می کرد؛ همکاری مستقیمی در عرصه های علمی و فرهنگی پیش نیامد، اما دیدارها و گفت و گوهای علمی، به خصوص در زمینه

مرجعیت فرد دیگری را میسر نمی ساخت. راهبرد هوشمندانه شهید صدر در این مقطع به این شکل بود که در حین حفظ احترام آیت الله خونی به عنوان استادش، تلویحا اعلام می کرد که در صدد ایجاد اخلاص در روند مرجعیت ایشان نیست و در کنار همه اینها، بسیار هوشمندانه تلاش می کرد نیازهای زمانه را به شکل دقیقی پاسخ دهد و به ویژه نیازهای دانشگاهیان و طلابی را که به دنبال جوابهای عمیق تری بودند، برآورده سازد. این راهبرد به رغم اینکه توانست بخشی از آثار تخریبی اعلام مرجعیت او را از بین ببرد، اما به طور مطلق کارساز نبود و آثار مخرب برخی از حسادتها همچنان و تا هنگام شهادت ایشان ادامه داشت. استقبال از مرجعیت شهید صدر در چه حد بود و در کشورهای شیعه نشین چه آثاری داشت؟

مرجعیت شهید آیت الله صدر، به شکلی محدود در بعضی از کشورهای مثل لبنان، عراق و توسط برخی از شاگردانش که وی را از نظر علمی برتر از بقیه مراجع می دانستند، مطرح شد. شاگردان و مروجین افکار ایشان در مقابل برخی از مخالفتها اظهار می کردند که بسیاری از شاگردان بوده اند که براساس خود برتری داشته اند. البته حزب الدعوه هم نقش بسیار زیادی در روی آوردن بسیاری از مردم به تقلید از شهید صدر و پایبندی به مرجعیت ایشان داشت؛ زیرا این حزب به شکلی فراخروزی و با اندیشه ای نسبتا باز، نیازهای جامعه را می دید و اعتقاد داشت که اجتهاد و شیوه بررسیهای شهید صدر در فقه و اصول و فلسفه، می تواند منشاء تأثیرات بسیار مثبتی در کل جهان اسلام باشد. علاوه بر اینها، نفس تلاشهای روشنگر و مفید آقای صدر، مدتها قبل از این تاریخ، موجب شده بود که به خودی خود، مرجعیت ایشان توسط بسیاری از افرادی که با شیوه های سنتی مرجعیت که در طول تاریخ وجود داشته، مخالف بودند، پذیرفته شود. کتابهای ارزشمند ایشان، از جمله «فلسفتنا»، «اقتصادنا»، «الاسس المنطقیه لا الاستقرا» و همچنین دیگر کتابهای اصلی و فقهی و تقریراتی که بعدها از او چاپ شد، این زمینه را بیش از پیش تقویت کرد؛ بنابراین شاید بتوان ادعا کرد که مرجعیت آقای صدر، واجد یک ویژگی کیمیا بود و آن این که به جای اتکا به تبلیغ مردمان و علاقمندان، بیشتر منوط به پذیرش توانمندی وی در تصدی فکری و نظری جهان اسلام از سوی اندیشمندان مسلمان و عرب بود.

دیدگاه شهید صدر در باره انقلاب اسلامی بر چه پایه هائی استوار بود و علت این موضعگیری را چه می دانید؟
موضع ایشان نسبت به انقلاب اسلامی، پشتیبانی مطلق و بی چون و چرا بود. این موضوع به ویژه در تأیید شخصیت امام خمینی (ره) کاملاً روشن و آشکار بود. ایشان به رغم اینکه عالم و مرجعی مستقل بود و طبعاً به شخصیت دیگری تکاند داشت؛ اما در سخن مشهور خود گفت، «در امام ذوب شوید، همان گونه که امام در اسلام ذوب شده است.» ایشان تحقق آرزوی بزرگ و دیرینه خود را در انقلاب اسلامی که بعد به حکومت اسلامی تبدیل شد، می دید. زیرا از دیر زمان و از سالها قبل، بر خلاف کسانی که احتمال تشکیل یک دولت اسلامی را در عصر حاضر، دور از واقعیت می پنداشتند، وی آن را اندیشه ای واقعی می انگاشت. در واقع یکی از فرقه های اساسی آقای صدر با دیگر فقها این بود که آنها در محدوده یک سلسله مفاهیم و موضوعات نظری و ذهنی محصور مانده بودند، همانند که آن مفاهیم هم ربط چندانی به اجتماع و امت اسلامی نداشتند و بیشتر بر جنبه های فردی تکیه می کردند. شهید صدر از همان ایامی که در صدد برآمد مبانی فکری و اقتصادی اسلامی را تبیین کند، معتقد بود که دین برای ساختن اجتماع آمده و طبیعتاً هر آنچه که فقها در طول تاریخ تبیین کرده اند، باید به شکل کلان در جامعه اجرا شود، به همین دلیل نسبت به حرکت اسلامی در ایران، بسیار خوش بین بود و همه نوع مساعدتی کرد تا این حرکت در مسیری صحیح پیش برود. شاید تأیید مطلق او از انقلاب اسلامی و نیز پیام امام خمینی (ره) خطاب به وی موجب گردید که رژیم خودکامه عراق، او را خطر بزرگی برای موجودیت و دوام خود تلقی کند. متأسفانه این مسئله، موجب بروز تحولاتی منفی علیه وی در عراق شد و فشارها را علیه او تشدید کرد و سرانجام به بازداشت و شهادت منجر شد. طبیعتاً این اقدام ناشی از ترس رژیم خودکامه عراق از

با بررسی آثار شهید صدر، به ویژه مطالبی که ایشان با عنوان «الاسلام یقود الحیاه» نوشته، در می یابیم که ایشان برای حکومت اسلامی، اعم از دولت اسلامی در ایران و حکومتی که قرار بود در آینده در عراق به وجود آید، برنامه بزرگی کلی کرده بود؛ چون اصول اساسی اسلامی قابل تغییر نیستند و برای همه شرایط، یکسانند.

وقوع انقلاب اسلامی در عراق و رویدادهای مشابه با ایران بود. مردم عراق پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به رغم اختناق و فشار شدید، حرکت اندیشیدن به این مسئله را یافتند که امکان تغییر شرایط در آنجا هم وجود دارد و شیوع این فکر و قوت گرفتنش، با توجه به حضور عالم نواندیش و تحول گرانی چون شهید صدر، بی تردید رژیم عراق را نگران می کرد. آیا الگوی شهید صدر برای حکومت اسلامی عراق با توجه به شرایط اقلیمی و سیاسی و فرهنگی و مذهبی عراق طراحی شده بود؟

با بررسی آثار شهید صدر، به ویژه مطالبی که ایشان با عنوان «الاسلام یقود الحیاه» نوشته، در می یابیم که ایشان برای حکومت اسلامی، اعم از دولت اسلامی در ایران و حکومتی که قرار بود در آینده در عراق به وجود آید، برنامه بزرگی کلی کرده بود؛ چون اصول اساسی اسلامی قابل تغییر نیستند و برای همه شرایط، یکسانند. البته شهید صدر در نظریه پردازی خود در مورد دولت اسلامی، کاملاً مستقل بود و طبیعتاً اگر حیات وی ادامه پیدا می کرد؛ ممکن بود به راهکارهایی متفاوت با آنچه که حکومت جمهوری اسلامی بر مبنای آن پایه ریزی شده است؛ دست یابد. به هر حال در جهان معاصر، تسیر تغییرات به قدری شتابان است که یک عالم دینی باید پیوسته در جریان آخرین تحولات باشد تا بتواند دیدگاه اسلام را در باره موضوعات مختلف استنباط کند. شهید صدر با علم به تفاوتها فرهنگی، سیاسی و اقتصادی ایران و عراق، در کلیات و اصول کلان، بین آنها تفاوتی قائل نبود. طرح پیشنهادی وی برای ایران و عراق، حاصل اندیشه ای متفق و والا برای تشکیل حکومتی اسلامی است.

به نظر شما آثار شهید صدر غیر از تأثیری که بر نظام نوپای ایران

گذاشتند؛ از نقطه نظر رویارویی با اندیشه های الحادی و التقاطی در کشورهای اسلامی و عربی چه تأثیراتی داشتند؟
کتابهای فلسفتنا و اقتصادنا به طور مشخص تأثیرات فراوانی در تقویت مبانی اسلامی در برابر مارکسیسم و نیز نظر به های فرهنگی و اقتصادی سرمایه داری موجود در آن زمان داشتند و جدی به چالش کشیدند و با آنها به مقابله پرداختند. قبل از انتشار این کتابها تقریباً هیچ تجربه موفقی در این زمینه وجود نداشت. متأسفانه تحولات سیاسی و امنیتی آن دوره در جهان اسلام که بعدها هم تداوم پیدا کرد؛ مانع از نوآوریهای اندیشمندان اسلامی شد و جز معدودی از متفکرانی که در خط شهید صدر بودند، در آثار دیگران نشانه ای از نوآوری و خلاقیت نبود و پس از وی به جز چند تن از اندیشمندان شاخص اسلامی در ایران و عراق، کسی رانمی شناسیم که این قافله نوآوری و پاسخگویی به نیازهای زمان را پیش برده باشد و این واقعا اسباب تأسف است. از دیدگاه جنابعلی، مراکز علمی و دانشگاهی کشورهای اسلامی تا چه حد می توانند از عقاید و اندیشه های شهید صدر بهره

برداری کنند؟
ما براین باوریم که مراکز علمی و پژوهشی جهان اسلام باید در حرکت فرهنگی خود از افکار خلاقانه و نوآوریهای شهید صدر استفاده کنند. البته این اندیشه ها محصول چالشها و شرایطی هستند که در دوره تولدشان در عراق و کشورهای همجوار وجود داشته اند. بدیهی است که در حال حاضر شرایط جدیدی به وجود آمده و نوع مشکلات تغییر کرده است. آنچه که ما توصیه می کنیم، نه تکرار همان حرفها که با کارگیری شیوه ای است که شهید صدر در مواجهه با این امواج فرهنگی اتخاذ می کرد. این سخن بدان معناست که اندیشه هر متفکری را باید در چهارچوب شرایط زمانی و مکانی خود بررسی کرد و نباید در چهارچوب آن تفکر، محصور ماند. اندیشه هر متفکری واجد ظرفیتهای تجربیاتی است که می توان بخشهایی از آن را که متناسب با شرایط زمانی و مکانی هستند؛ اقتباس کرد و ضرورتی در به کارگیری کلیت آن نیست. شهید صدر افقهای جدیدی را در جهان اندیشه و تفکر اسلامی به روی اندیشمندان پس از خود گشود. این متفکران باید این راه را به گونه ای بیامانند که پاسخگویی تحولات در اندیشه معاصر و چالشهای تئوریک که پس از تأسیس حکومت اسلامی ایران بدیده آمده اند، باشند؛ زیرا ما برای ایفای وظایف دینی و اجتماعی خود در شرایط جدید، به نقد تجربه های گذشته و بهره برداری از آنها به تناسب وضعیت فعلی نیازمندیم. به هر حال به اعتقاد من، فقدان شهید صدر، ضایعه بسیار سنگینی است؛ زیرا این مرد بزرگ با اندیشه خلاق خود می توانست از بسیاری از معضلات گره گشائی کند و با نوآوریهای راههای جدیدی را فراروی اندیشه اسلامی بگشاید. سلام علیک یوم ولد و یوم مات و یوم بیعتا حیا.



۱۳۵۰: نجف، مسجد شیخ طوسی، شهید صدر در حال تدریس.